

# نگرشی به تشکیلات اداری

آموزشی، تبلیغی، جامعه روحانیت  
پیشنهاد طرحهای اساسی و

اصلاحی براساس تحولات انقلابی کشور...

تبادل فکری تشکیل داده و خود را برای اجرای دستورهای صادره از آن سندیکا حاضر و آماده ساخته است چون احساس می کند که بدون آن مرکز، منافعشان در معرض خطر و از بین رفتن می باشد.

نظم در بی نظمی یکی از زنده ترین چملاتی است که در سرتاسر عمر گوش انسان را آزار میدهد و عامل عقب ماندگی و قهقرا و سلب مسئولیت می گردد چون ذات نایافته از هستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش.

## سازمان داخلی روحانیت:

یکی از مهمترین و محکم ترین اجتماعاتی که در جهان وجود دارد جامعه روحانیت و طبقه محترم پاسداران دین نگهبانان احکام مقدس اسلامی است استحکام و اهمیت آنان از آن نظر است چون در زندگی اتکاء و اعتمادشان تنها به خدا بوده و کار و فعالیتشان برای خدا و خشنودی خلق خدا است.

امروز در رأس حوزه های روحانیت و مراکز تعلیمات علوم اسلامی، مراجع عالیقدر و مجتهدین عالمیقام و اساتید دلسوزی قرار گرفته اند که از هر نظر واجد شرائط بوده و روحانیت را با فعالیت های فکری و معنوی خود رهبری و راهنمایی و اداره می کنند ولی نقص و عیبی که این جامعه همانند دیگر اجتماعات دارد اینست که از نظر تشکیلات داخلی بسیار

اکنون که با فضل الهی در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی، اداری، و سیاسی کشور تحول و انقلابی بوقوع پیوسته است مردم مسلمان ایران حق دارند انتظار و توقع داشته باشند که تحولات اساسی و بنیادی نیز در سطح سازمان تشکیلاتی روحانیت همگام و هم سطح بادیکر شئون اجتماعی و فرهنگی مناسب با شان انقلاب بوجود آید چون جهانی که مادر آن زندگی می کنیم، جهان نظم و انتظام و دنیای اسباب و علل است. دانه گیاهی که در بهار، سراز زمین بر میدارد، با طراوت و زیبایی خود، چشم تماشاچی و نظاره گر رابه خودخیره میکند باید با یک نظم مخصوص و ترتیب معین مراحل را طی کرد و مشکلاتی را پشت سرگذارد تا به آن مرحله از رشد و تکامل خود برسد هرگاه دانه آن سالم یا زمین آن مساعد نباشد، محال است رشد نموده و به مرحله کمال برسد.

قانون نظم و انتظام در تمام عوالم طبیعت و نظام اجتماعی، حکمفرما است، امروز جامعه بشریت مزایای قانون و فوائد عالی آنرا دریافته است و خود را با کمال میل و شوق و علاقه به دامن قانون افکنده است و میخواهد اعمال خود را منطبق با معیارهای آن بسازد، دائره تصمیم گیری مشترک به مجامع و اصناف و واحدهای صنفی نیز کشیده شده است بحدی که کوچکترین دسته های صنفی نیز با جمعیت محدود خود «سندیکا» و مرکز تجمع و اظهار رای و نظر و

## عصر تبلیغاتی

ضعیف و ناتوان است و از نظر بودجه و اداره نیز ضعیف تر می باشد در عین حال درهای آن به روی عموم داوطلبان از هر صنف و هر طبقه و از هر نوع استعداد و شایستگی باز است. حوزه علمی هم حدوده هزار نفر محصل و دانشجو دارد که در نهایت صرفه جویی و بی‌الایشی زندگی می کنند و هدف از زندگی را بالاتر از مادیت میدانند اشکال اساسی که وجود دارد اینست که آغاز و حد نهائی تحصیلات آنان معلوم نیست و معین نشده است، در حوزه علمی چه قدر باید درس خوانده شود مرحله آغاز آن کی است و هر فرد چند سال می تواند از مزایای آن استفاده کند و پس از چند سال باید از حوزه بیرون رفته مشغول تبلیغ و ترویج و پیاده کردن اندوخته های علمی خود گردد. روی

این اصل عده زیادی از فارغ التحصیلان پیر مرد در مرکز تحصیل خود خانه خریده و صاحب تشکیلات و زندگی شده است و از آن حقوق ناچیز و بودجه مالی دانشجویان استفاده میکنند در صورتی که نه تدریس و نه تدریس دارند و نه مشغول یک خدمت کامل دینی هستند و نه پست تبلیغی.

### سازمان خارجی ما:

تشکیلات تبلیغاتی حوزه روحانیت ما در این عصر تبلیغات و آگهی ها (که کوچکترین واحد اقتصادی بزرگترین و قوی ترین دستگاه

میخورد... اکنون که با فضل الهی انقلاب عظیم اسلامی ایران با رهبری روحانیت و پشتیبانی قاطع ملت به ثمر رسیده است و تحول و انقلاب شگرفی در تمام زمینه های اجتماعی فرهنگی سیاسی و اقتصادی بوجود آمده است مردم ایران حق دارند انتظار و توقع داشته باشند که واحد سازمان روحانیت نیز هم گام و هم سطح دیگر شئون اجتماعی متحول و منقلب گردد و خود را بار دیگر با تحولات اجتماعی همگام سازد. مردم مسلمان حق دارند از یک فرد روحانی

لطفا ورق بزنید

# خواستهای دانشجویان علوم اسلامی از حکمت جمهوری اسلامی

که از حوزه علمیه قم یا دیگر حوزه‌های علمی درخواست میکنند انتظار داشته باشند مراتب کارائی و لیاقت، و حدود تحصیل حتی لقب و عنوان کنترل شده او را دقیقاً بدانند و به آن معرفت و شناسائی پیدا کنند تا حدود و مرزها کاملاً مشخص و معین باشد اگر روزی در آن شرائط تاریک و فضای آلوده، شعار مرسومش این بوده است که نظم ما در بی نظمی» و این شعار سپر بلا گردان سیاست حاکم روز بود حقیقتاً اینچنین بود و خود این شعار نگهدارنده و مفید و ارزنده بود ولی امروز در این عصر تحول و انقلاب و در این برهه از موقعیت حساس سازندگی و سازمان دهی، دیگر آن تز و آن شعار هرگز نمیتواند مورد قبول ملت و مردم دردمند باشد.

اگر آن روز به حق و واقع، روحانیت بر دو قسمت تقسیم میکردید، روحانی حقیقی و واقعی و روحانی قشری و روحانی نما، روحانیت حقیقی به ملت وابسته بود و از عواطف و احساس و ایمان و دلهای مردم بهره میگرفت و روحانی نما تابع دولت زور گو و نمایشگر خواسته‌ها و تمایلات او.  
روحانیت حقیقی الهام از خدا میگرفت و از تعالیم و رهنمودهای راستین انبیاء و پیشوایان معصوم (ع)

و روحانیت ظاهری چشم به دهان مردم بسته بود و به تمایلات و خواسته‌های آنان نه خدا و پیامبر و اولیای پاک دین  
روحانیت حقیقی در رزم و پیکار و جهاد دائمی به سر میرود و روحانیت ظاهری در بزم و آسایش و پشت معرکه.

و دستهایی در کار بود که میخواست روحانیت واقعی را در برابر مردم بد نام سازد و ضمانت اجرایی هم وجود نداشت که طرحهای

اصلاحی را به مرحله اجراء در آورد امروز دیگر چنین بهانه‌ای هرگز وجود ندارد، تبانی و دستهای مرموز موجود نیست و اگر هم باشد نمیتواند با وجود آگاهی و هوشیاری که مردم پیدا کرده‌اند اظهار وجود کند و نباید هم فرصت و زمینه چنین فعالیت به آنها داده شود چون شرائط کونی و این فرصت طلانی، نخستین بار در تاریخ مبارزات اسلامی بدست آمده است در این باره، نخست بعنوان خواسته‌های مردم و دیگر بار از سوی دانشجویان علوم اسلامی مطالبی به پیشگاه مقدس زعیم عالمقام و رهبری عظیم‌الشان انقلاب اسلامی ایران و دیگر مراجع عالیقدر تشیع و اساتید متعدد و دلسوز حوزه‌های علمیه قم و نجف و دیگر حوزه‌های اسلامی میرسانند و انتظار میرود که مورد توجه و مطالعه و دقت و بررسی قرار گیرد و طبق مفاد حدیث شریف آنجا که میفرماید:

«حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا» به حساب خویشتن برسید پیش از آنکه دیگران این حسابرسی را آغاز نمایند بهتر آنست خود آقایان و فضلا و دانشمندان در این باره اظهار نظر کنند و طرحهای عملی و زنده‌ای ارائه دهند تا به تدریج، نظرات آنان در مکتب اسلام که ارگان و زبان حوزه علمیه قم بشمار میآید منعکس و مورد استفاده واقع گردد.

## خواسته‌های مردم:

۱ - مردم مسلمان ایران میخواهند یک فرد روحانی که پناهگاه روحی و ملجأ حل گرفتاریها و مشکلات آنان قرار میگیرد یک فرد تحصیل کرده، با ایمان، با اخلاص باشد و مراکز تعلیم و تربیت این ویژگیها را تضمین کنند و به اصطلاح مسئولیت نارسائیها و نقائص روحی و علمی فارغ‌التحصیلان خود را خود حوزه علمیه بعهده بگیرد و به تعبیر دیگر روحانیان بی‌عیب و

نقصی صادر کند نه آنکه خود مردم شناسانی و ارزیابی کنند تا از این رهگنر مردم را دچار اضطراب و نگرانی در گزینش روحانی ننماید.

۲ - مردم انتظار دارند از سوی حوزه علمیه مرکزی، همانند دیگر مراکز علمی بوجود بیاید که حدود معلومات پایه تحصیلات عنوان لقب فارغ التحصیلان را بصورت روشن و واضح تعیین کند و به فارغ التحصیل خود اعطاء کند تا هر کس به دلخواه خود، یکی را آیه... و دیگر بار حجة الاسلام نخواند بر عکس به آیه الله، ثقة الاسلام و حجة الاسلام نگوید و این عناوین روی ضوابط خاص عرفی و شرعی بلکه قانونی باشد به حدی که مرتکب خلاف، تحت پیگرد قانون قرار گیرد همانند مراتب ارتش و مقامات انتظامی چون فرقی میان آن دو وجود ندارد یکی سپاه علم و ایمان و مذهب و آن دیگری سپاه دین و مملکت و مرز میباشند.

۳ - مردم میخواهند حدود و وظائف خود را از نظر کمکهای مالی و تأمین امکانات رفاهی یک عالم روحانی یا یک امام جماعت یا ذاکر مصائب حسینی، بدانند که چه وظیفه ای به عهده دارند و چگونه میتوانند در برابر تلاشها و کوششهای الهی روحانیت از زیر بار مسئولیت اخلاقی و شرعی خود بیرون آیند این سه خواسته از میان دهها خواسته و انتظارات مردم خلاصه گردیده است.

خواسته های دانشجویان علوم اسلامی:

دانشجویان و طلاب علوم دینی که رهروان حقیقی علم و پیکار هستند و اغلب علم را برای نیل به کمالات انسانی و اصالت و ارزش واقعی خود علم، جستجو میکنند در آن ایام انتخاب سرنوشت و تعیین تکلیف آینده، مسائل زیر را با خود در میان مینهند و پاسخهای آنها جستجو میکنند و جدا میخواهند بدانند که متأسفانه اغلب

بی جواب میماند و آن سؤالات اینست:

۱ - چند سال باید درس بخوانیم و پس از تحصیل چه باید بکنیم؟

۲ - آیا همه رشته های علوم اسلامی را باید «فوق آزمائی» کنیم سپس خودمان تعیین رشته کنیم آیا بهتر نیست خود حوزه های علمی این مسئولیت را بپذیرد و هر دانشجویی را به سراغ رشته مورد علاقه خود بفرستد تا از استعدادهای بهره جونی کامل شود؟

۳ - آیا بهتر نیست که حدود امکانات زندگی و رفاهی یک دانشجو در سنین تحصیل و مراتب شایستگی او، تعیین گردد تا او همیشه خود را با هیولای مشکلات اقتصادی و زندگی روبرو نبیند.؟

۴ - آیا بهتر نیست سازمان مجهزی باشد که آنها را پس از فراغت از تحصیل به منطقه مأموریت مناسبی اعزام کند و آنان را جذب و جلب جامعه اسلامی سازد بی آنکه خود او چندین سال پس از آوارگی و در بدری و فوق آزمائی که معمولاً توأم با اتلاف وقت است جذب یک محیط غیر ایده آل یا مخالف با ذوق و سلیقه خود باشد، سازمان اجرائی در کار باشد که مأموریت دهد و پی آمدهای این مأموریت را تضمین و تقبل نماید.؟



اینها گوشه های ناچیزی از صدها خواسته های دانشجویان علوم اسلامی بود که به صورت مختصر درج گردید و هر کدام از این خواسته ها شرح و تفصیل بیشتری دارد که علاقمندان اصلاح میتوانند به تضمین آن اقدام و چاره جونی آنها را خواستار گردند و اگر نظر تکمیلی و اصلاحی دارند ابراز دارند تا از برخورد اندیشه ها به نتیجه مطلوبی رسیده شود به امید آروز.